

سورة الاحقاف

١٧٨٤ / ١٧٧١ / ١١

١٧٧٤ / ١٧٧١ / ١١

٩١٧٥



دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

وزارت علوم ، تحقیقات و فناوری  
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان  
دانشکده ادبیات و علوم انسانی  
گروه زبان و ادبیات فارسی  
پایان نامه مقطع کارشناسی ارشد  
رشته زبان و ادبیات فارسی

## صور خیال در شعر مجیرالدین بیلقانی

پژوهشگر :

محمد استادی ارزیل

استاد راهنما :

دکتر احمدگلی

استاد مشاور :

دکتر ناصر علیزاده

شهریور ۱۳۸۶

تبریز / ایران

کتابخانه مرکزی  
دانشگاه تربیت معلم آذربایجان

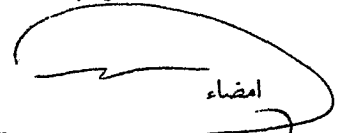

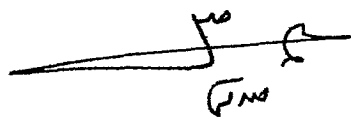
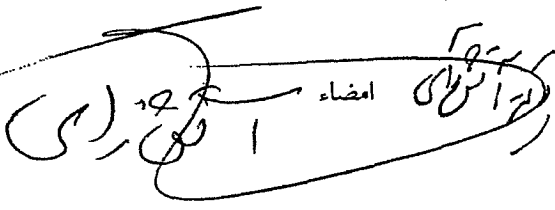
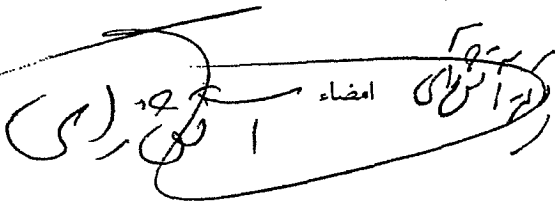
۱۳۸۶ / ۱۱ / ۱۱

۹۸۵۹۷



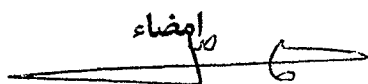
صور تجلسه نتیجه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

طبق درخواست شماره ۶۷۰۹ مورخ ۸۶/۴/۲۴ تحصیلات تکمیلی دانشکده آریه علوم  
و مجوز شماره ۶۱۴ مورخ ۸۶/۴/۲۸ تحصیلات تکمیلی دانشگاه جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی  
ارشد آقای محمد ابراهیم زین به شماره دانشجویی ..... در رشته مطالعات زبان و ادبیات فارسی  
گرایش ..... تحت عنوان صور خیال در شعر بکر الوهین بلیغی  
به ارزش ..... واحد، در ساعت ۹:۰۵ مورخ ۸۶/۴/۲۸ در حضور هیئت داوران مرکب از:

- ۱- استاد یا اساتید راهنما آقای راجح احمد طلی  
امضاء 
- ۲- استاد یا اساتید مشاور سرکار خانم ناهید عسکری  
امضاء 
- ۳- عضو هیئت داوران سرکار خانم حنین صدق  
امضاء 
- ۴- عضو هیئت داوران  
امضاء 
- ۵- نماینده اداره کل تحصیلات تکمیلی در گروه آن سرکار خانم زینب زین  
امضاء 

برگزار و بعد از کسر ۰/۵ نمره، به دلیل ۰/۵ نیمسال تحصیلی تأخیر در دفاع از پایان نامه، بنابه مصوبه شماره  
۴۱۷۳۶۴ صورتجلسه مورخ ۸۵/۱۲/۱ شورای تحصیلات تکمیلی، با درجه ۰/۵ نمره ۱۹  
ارزشیابی گردید.

رئیس دانشکده

امضاء   
سرکار خانم  
۸۶/۴/۲۸

مدیر گروه آموزشی

امضاء 



تأییدیه اعضای هیئت داوران حاضر در جلسه دفاع از پایان نامه کارشناسی ارشد

اعضای هیئت داوران نسخه نهایی پایان نامه خاتم / آقای محمد اسدکی ارزبیل  
تحت عنوان صورت خیال در شعر محمد بن سلیمان  
را از نظر شکل و محتوا بررسی نموده، پذیرش آن را جهت نیل به درجه کارشناسی ارشد مورد تأیید  
قرار دادند.

امضاء	رتبه علمی	نام و نام خانوادگی	اعضاء هیأت داوران
۸۶/۶/۳۱		احمد علی	۱. استاد راهنما:
~ ~		عزیز	۲. استاد مشاور:
			۳. استاد ناظر:
			۴. استاد ناظر:
			۵. نماینده اداره تحصیلات تکمیلی:

**تقدیم به:**

**اسطورهٔ ایثار و فداکاری و مظهر عطوفت و مهربانی**

**پدر و مادر مهربانم**

## تقدیر و تشکر

سپاس بی حد و غایت و حمد بی عدّ و نهایت آفریدگاری را - جَلُّ شَأْنِه - که توفیق و عنایت بی کرانش را شامل حال بنده نمود تا این رساله را به انجام برسانم.

از یاری و مساعدت استاد عزیزم جناب آقای دکتر گلی و استاد محترم جناب آقای دکتر علیزاده که زحمت راهنمایی و مشاوره این رساله بر عهده ایشان بود سپاسگزارم و زحماتشان را ارج می‌نهم. چرا که اگر یاری و رهنمود ایشان نبود، طی این مرحله و بیرون آمدن از ظلمات غوامض و مشکلات، بنده را ممکن و میسر نمی‌گشت و به حق، سخن خواجه مناسب این مقام می‌افتد که فرموده است؛

طی این مرحله بی مهری خضر مکن      ظلمات است بترس از خطر گمراهی

از زحمات سایر اساتید ارجمندم آقایان؛ دکتر صدقی، دکتر مشتاق مهر، دکتر عیوضی، دکتر قره‌بیگلو، دکتر آتش زای و دکتر قلیزاده و اساتید بزرگوارم در دوره کارشناسی که همواره محرّض و مشوق بنده در امر تحصیل بوده‌اند و سالها از محضر ایشان بهره‌جسته‌ام شاکر و سپاسگزارم.

محمد استادی

تبریز، شهریور ۸۶

## فهرست مطالب

صفحه	عنوان
.....	چکیده
ج	پیشگفتار
.....	مقدمه
۱	زندگینامه شاعر
۴	سبک آذربایجانی و مختصات آن
۸	شعر و کلام مجیرالدین و معرفی دیوان وی
.....	تشبیه
۱۵	تشبیه در لغت
۱۵	تشبیه در علم بیان
۱۶	ارکان تشبیه
۱۶	طرفین تشبیه
۱۶	مشبه
۱۷	مشبه به
۱۷	ادات تشبیه
۱۷	وجه شبه
۱۹	انواع وجه شبه
۲۳	تشبیه از نظر مفرد و مقید و مرکب بودن طرفین
۲۹	تشبیه از نظر حسی و عقلی بودن طرفین
۳۳	تشبیه وهمی
۳۴	تشبیه خیالی
.....	تشبیه از دیدگاه ادات تشبیه و وجه شبه
۳۵	۱- تشبیه مفصل مرسل
۳۷	۲- تشبیه مجمل
۳۷	۳- تشبیه مؤکد
۳۸	۴- تشبیه بلیغ (رسا)
.....	تشبیه براساس چگونگی ذکر طرفین
۳۹	۱- تشبیه مفروق
۴۱	۲- تشبیه ملفوف

۴۲	..... تشبیه جمع
۴۳	..... تشبیه تسویه
۴۴	..... تشبیه مضمَر
۴۵	..... تشبیه مضمَر و تفضیلی
۴۶	..... تشبیه مشروط
۴۸	..... تشبیه معکوس یا مقلوب
۴۹	..... تشبیه مطلق
۴۹	..... تشبیه تمثیل
۵۱	..... اغراض تشبیه
۵۴	..... تشبیهات زیبا و قبیح
۵۵	..... میزان کاربرد تشبیه و انواع آن در مضمونهای متفاوت و سبکهای مختلف شعری
۵۶	..... شواهد تشبیه
۹۹	..... نتیجه

### استعاره

۱۰۲	..... استعاره در لغت
۱۰۲	..... استعاره در علم بیان
۱۰۲	..... ارکان استعاره
۱۰۳	..... قرینه صارفه
	انواع استعاره بر اساس ساختار
۱۰۵	..... ۱- استعاره مصرحه
۱۰۵	..... الف: مصرحه مجردة
۱۰۶	..... ب: مصرحه مرشحه
۱۰۷	..... ج: مصرحه مطلقه
۱۰۹	..... ۲- استعاره مکنیه
۱۱۰	..... استعاره تخیلیه
۱۱۰	..... تشخیص
	تقسیم بندی استعاره بر اساس طرفین
۱۱۲	..... ۱- وفاقیه
۱۱۲	..... ۲- عنادیه
۱۱۳	..... استعاره تهکمیة
	تقسیم بندی استعاره بر اساس جامع



۱۱۳	۱- تحقیقیه
۱۱۴	۲- تخیلیه
	تقسیم بندی دیگر استعاره براساس جامع
۱۱۴	۱- قریب (عامیة مبتدله)
۱۱۵	۲- بعید (خاصیة غریبه)
	تقسیم بندی استعاره بر بنیاد مستعار
۱۱۶	۱- استعاره اصلیه
۱۱۶	۲- استعاره تبعیه
۱۱۷	استعاره مرکب
۱۱۷	دلایل اهمیت و زیبایی استعاره
۱۱۸	زیر بنای استعاره
۱۱۹	شواهد استعاره مصرحه
۱۲۳	شواهد تشخیص
۱۲۸	نتیجه

### مجاز

۱۳۰	مجاز در لغت
۱۳۰	مجاز در علم بیان
۱۳۱	قرینه صارفه
۱۳۱	علاقه مجاز
۱۳۳	انواع علایق مجاز
۱۳۸	مجاز عقلی (اسناد مجازی)
۱۳۸	مجاز مرکب
۱۳۹	دلایل اهمیت و زیبایی مجاز
۱۴۰	شواهد مجاز
۱۴۶	نتیجه

### کنایه

۱۴۷	کنایه در لغت
۱۴۷	کنایه در علم بیان
	تقسیم بندی کنایه براساس مکنی منه
۱۴۹	۱- کنایه از موصوف (اسم)
۱۵۰	۲- کنایه از صفت

۱۵۰ ..... ۳- کنایه از فعل .....  
انواع کنایه به لحاظ وضوح و خفا

۱۵۲ ..... ۱- تلویح .....

۱۵۲ ..... ۲- ایما و اشاره .....

۱۵۳ ..... ۳- رمز .....

۱۵۳ ..... تعریض .....

۱۵۳ ..... دلایل اهمیت و زیبایی کنایه .....

۱۵۴ ..... تفاوت کنایه با مجاز و استعاره .....

۱۵۴ ..... شواهد کنایه .....

۱۶۶ ..... نتیجه .....

### اسطوره

۱۶۸ ..... اسطوره در لغت .....

۱۶۸ ..... تعریف اسطوره .....

۱۷۰ ..... زیان اسطوره .....

۱۷۱ ..... پیوند اسطوره با ادبیات .....

۱۷۱ ..... اسطوره و علم بیان .....

۱۷۱ ..... شواهد اسطوره .....

۱۸۸ ..... نتیجه .....

### سمبل

۱۸۹ ..... سمبل در لغت .....

۱۸۹ ..... تعریف سمبل .....

۱۹۰ ..... انواع سمبل .....

۱۹۱ ..... شواهد سمبل .....

۲۲۲ ..... نتیجه .....

۲۲۴ ..... نتیجه کلی .....

۲۲۵ ..... فهرست منابع و مأخذ .....

..... چکیده لاتین .....

## چکیده:

جهان شعر جهان تخیل، تصویر و احساسات و عواطف است و شاعر فردی است دیگر بین و دیگر اندیش که جهان هستی و امور پیرامونش را با بینشی متفاوت از افراد عادی می‌بیند و می‌گزارد. در حقیقت، اندیشه شاعر اندیشه‌ای است مخیل، صور خیال نیز از زیباترین و کارآمدترین ابزار در جهت تخیلی و تصویری نمودن کلام و ادبی‌تر نمودن آن می‌باشد.

چنانکه می‌دانیم مجیر الدین بیلقانی شاعری است ساختارگرا که به ساختار صوری و پیکره ظاهری شعر و کلام اهمیت بیشتری می‌دهد. وی هر چند سخنوری است مقلد اما توانسته است در نهایت هنرمندی عناصر زیبایی ساز و آراینده کلام را با هم تلفیق دهد و اشعاری زیبا و دلپسند بیافریند.

در این رساله سعی شده است تا شش مورد از صورتهای خیالی به کار گرفته در سخن شاعر (تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، اسطوره و سمبل) مورد تحلیل و بررسی قرار گیرد.

طبق بررسی‌های به عمل آمده، مجیر الدین شاعری است طبیعت‌گرا و دارای ذهنی ساده و غیر انفعالی که در آفرینش صور خیال موجود در اشعارش عمدتاً به امور حسی و پدیده‌های طبیعی توجه بیشتری نشان داده است.

صورخیال به کار گرفته شده توسط شاعر عموماً حالت کلیشه‌ای و تقلیدی دارند اما با وجود کلیشه‌ای بودن این صورتهای خیالی، شاعر با به کار گیری مناسب آن توانسته است اشعاری زیبا بیافریند چنانکه اگر غنای محتوایی نیز با آن همراه می‌بود، شاید شعر وی تبدیل به شعری پایا و عامه پسند می‌گردید.

## کلید واژه‌ها:

مجیر الدین بیلقانی، صور خیال، تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، اسطوره و سمبل.

## پیشگفتار:

شاعر و هنرمند عرصه شعر و ادب همانند نقاشی است چیره‌دست، همانگونه که نقاش، انواع رنگها را به کار می‌گیرد و با ترکیب آنها، تابلویی زیبا می‌آفریند شاعر نیز جهت آفرینش اثر و تابلویی زیبا و ماندگار، انواع آرایه‌ها و صنایع زیبایی ساز کلام را به کار می‌گیرد تا به کمک آن ابزار، تصاویری زیبا بیافریند. صورخیال نمونه ای از این آرایه‌های کلامی شمرده می‌شود.

علم بیان نیز همانند محک و معیاری است که به وسیله آن، می‌توان انواع و میزان به کارگیری این صورتهای خیالی را در کلام یک هنرمند و چگونگی به کارگیری آن را توسط وی آشکار ساخت و سخن سالم را از سقیم و کلام متین را از سخیف متمایز نمود.

علم زیبایی شناسی یکی از علوم اساسی و مهم در عرصه و ساحت ادبیات می‌باشد که کار کردن در این حیطه نیز زیبایی‌ها و محاسن خاص خود را دارد. محرض و مشوق اصلی نویسنده نیز در پرداختن به رساله‌ای با این عنوان، وقوف وی بر اهمیت علم زیبایی شناسی و اشتیاقش پیرامون چنین مباحثی بوده است.

در این رساله سعی بر این شده است تا شش مورد از صورتهای خیالی به کار رفته در دیوان مجیر الدین بیلقانی مورد تحلیل، بررسی و پژوهش قرار گیرد تا هم زیبایی‌های نهانی کلام این شاعر آشکار گردد و نیز رساله حاضر منبع و مأخذی باشد برای افرادی که به مطالعه و پژوهشی در چنین حیطه‌هایی علاقمندند.

اصلی‌ترین منبع و الگوی ما در تألیف و تدوین رساله، کتاب « بیان » دکتر شمیسا بوده و علاوه بر کتاب مذکور، تا حد امکان از سایر کتبی که بدان دسترسی داشته‌ایم، بهره برده‌ایم. به طور کلی، ساختار و چهارچوب کلی رساله در دو بخش تنظیم گشته است:

## ۱- مقدمه ۲- متن اصلی

پس از ارائه چکیده، مقدمه ای که تحت عناوین زندگینامه شاعر، مختصات سبک آذربایجانی، معرفی شعر و دیوان وی و سرانجام بررسی صور خیال در شعر شاعر گنجانیده شده ذکر گردیده است.

متن اصلی نیز شش مبحث جداگانه با عناوین تشبیه، استعاره، مجاز، کنایه، اسطوره، سمبل را در بر می‌گیرد. در هر یک از این مباحث و فصول، ابتدا تقسیم‌بندی و تعاریف مربوطه ذکر گردیده است و پس از ذکر تعاریف، تا حد امکان مثالهایی از دیوان شاعر ارائه داده‌ایم. و هرگاه مثالی از دیوان یافت نشده از دواوین سایر شعرا مثالهایی جهت شاهد آورده‌ایم.

پس از ذکر تعاریف کلی و تقسیمات مربوط به هر عنوان، نمونه‌هایی منتخب از شواهد و امثال موجود در دیوان شاعر، ذکر گردیده است.

جهت پیشگیری از اطناب، در اشاره به «قصائد» به علامت اختصاری «ق» و در اشاره به «بیت» به حرف «ب» بسنده کرده‌ایم در پایان هر فصل نیز، نتایجی پیرامون مباحث ارائه شده ذکر گردیده است که در حقیقت عصاره و افشره مباحث طرح شده را در بر می‌گیرد. در پایان رساله نیز به یک نتیجه‌گیری کلی رسیده‌ایم.

امید است، اساتید محترم لغزشها و اشتباهات موجود در این رساله را به دیده اغماض بنگرند و بر خطاهای موجود قلم عفو در کشند.

هرگز نمرده است و نمیرد «مجیر دین»  
زیرا کسه نام نامی او در زمانه ماند  
آوازه‌اش به شعر و ادب جاودانسه ماند  
از آن چه غم که خود به جهان ماند یا نماند؟  
«نظمی» رقم زد از پی تاریخ رحلتش  
(نام مجیر دین به ادب جاودانه ماند)  
۵۸۷ قمری

## مقدمه

### زندگینامه شاعر

مجیرالدین بیلقانی در قصبه بیلقان از توابع شروان دیده به جهان گشود.<sup>۱</sup> تاریخ ولادتش را اوایل قرن ششم هجری نوشته اند.<sup>۲</sup>

از جزئیات زندگی شاعر اطلاع چندانی در دست نیست و تنها با مطالعه و تدقیق در دیوان وی می توان بر جزئیاتی اندک از زندگانی مبهم و تاریک این سخنور خوش ذوق و خوش استعداد وقوف یافت. با توجه به تصریح خود شاعر<sup>۳</sup> و اشارات تذکره نویسان<sup>۴</sup>، نامش مجیر بوده و مادرش

۱ - نظمی، علی: دویت سخنور، ص ۳۶۷ - صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۷۲۱ - رضازاده شفق،

صادق: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۶۱

۲ - بیلقانی، مجیرالدین: دیوان، ص ۳

۳ - شاعر در سراسر دیوانش، خود را با نام «مجیر» مورد خطاب قرار داده است:

بشنو از بنده مجیر این سخن بازپسین  
ای که لفظ شکرین تو سراسر درر است  
بر زمین عدل عمر کن که زمین دار فناست  
وز جهان نام نکو بر که جهان بر گذرست  
«ق ۱۲ ابیات ۴۱ و ۴۲»

۴ - سمرقندی، دولت‌شاه: تذکره الشعراء، ص ۱۲۸ - واله داغستانی، علیقلی: تذکره ریاض الشعراء، جلد ۴، ص ۱۹۹۴

ارمنی الاصل و یا حبشی تبار<sup>۱</sup> بوده است. دکتر آبادی پس از ارائه شواهد و قرائنی، مذهب مجیر را سنی شافعی نوشته‌اند.<sup>۲</sup>

مجیر از شاگردان خاقانی بود ولی به دلیل کدورت‌هایی که بین وی و استادش پیش آمد کار این دو استاد و شاگرد به هجو همدیگر کشید. در دیوان هر دو سخنور می‌توان اشعاری یافت که در متن آن، همدیگر را هجو گفته‌اند.<sup>۳</sup> بعضی، این عمل مجیرالدین را عقوبت عمل خاقانی دانسته‌اند که استاد و پدرزن خود، ابوالعلاء گنجوی، را هجو کرده بود. مجیر علاوه بر استادش بعضی دیگر از شاعران هم عصرش را نیز هجو گفته است.<sup>۴</sup> با توجه به این قرائن از لحاظ خلق و خوی، وی را فردی ستیزه‌جو و تندخو دانسته‌اند.<sup>۵</sup>

همانطور که می‌دانیم راهیابی به دربار سلاطین و امرا از مهمترین آرزوها و آرمان‌های شاعران پیشین بوده است زیرا در این صورت بود که شاعر می‌توانست هم از لحاظ وجهه اجتماعی و سیاسی و هم از حیث معیشت زندگانی پیشرفت و ترقی نماید و به اصطلاح، به نان و نوایی برسد. مجیرالدین نیز پس از کسب مهارت در عرصه شعر و ادب و جلوس بر کرسی شاعری و سخنوری، به دربارهای اتابکان آذربایجان راه یافت و به مدح و ستایش اتابکان آذربایجان پرداخت.

---

۱ - ثبت و ضبط بیت زیر به دو صورت مختلف انجام گرفته است.

طفلان طبع من به صفت ترک چهره‌اند      وین طرفه تر که ارمنی بود مادرم  
«ق ۵۷ ب ۱۳»

ترکان طبع من به صفت ترک چهره‌اند      وین طرفه تر که حبشی بود مادرم  
تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۷۲۱

۲ - بیلقانی، مجیرالدین: دیوان، ص ۵ تا ۶

۳ - بیت زیر از خاقانی است و در هجو مجیرالدین سروده شده و مراد از «رجیم» مقلوب «مجیر» است؛

دیو رجیم آنکه بود دزد بیانم      کردم طغیان زد از هجای صفاهان

«خاقانی»

مجیرالدین نیز در هجو استاد خود خاقانی گفته است؛

مرا ز غیبت خاقانی و خریش چه باک؟      چنو به نزد دل من کم از ج-سوی سنجد  
وگر برنجم ازو هم شگفت نیست از آنک      که گربه عطسه شیرست و شیر ازو رنجد  
«قطعه ۲۷»

۴ - ریپکا، یان: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۸۲ - نظمی، علی: دویست سخنور، ص ۳۶۷

۵ - نظمی، علی: دویست سخنور، ص ۳۶۷ - ریپکا، یان: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۸۲

شمس الدین ایلدگز، نصره الدین جهان پهلوان محمدبن ایلدگز، قزل ارسلان عثمان بن ایلدگز، رکن الدین ارسلان بن طغرل سلجوقی و سیف الدین ارسلان نامی<sup>۱</sup> از جمله امرایی هستند که مجیر در مدح و ستایش ایشان سخنها رانده و مبالغه‌ها کرده است و دیوان شعری وی، مشحون از مدایح این امرا و سلاطین می باشد.

مجیرالدین با سمت مأموریت دولتی و جهت تحصیل وجوه از دیوان اتابکی رهسپار اصفهان شد ولی در آن مکان با بی عنایتی و بی توجهی اهالی آن مواجه گشت و اهل اصفهان آنچنانکه شایسته او بود وی را تعزیر و تکریم نمودند. مجیر نیز از این عمل آنان عصبانی گشت و اصفهان و مردم آن را به باد هجو و ناسزا گرفت<sup>۲</sup> که این کار او نیز بی نتیجه نماند و بعضی از شاعران اصفهان از جمله جمال الدین عبدالرزاق اصفهانی، کمال الدین اسماعیل و شرف الدین شفروه متعاقباً وی و استادش، خاقانی، را هجو گفتند<sup>۳</sup>.

از شاعران معاصر وی می توان خاقانی، نظامی گنجوی، اثیرالدین اخسیکتی، شرف الدین شفروه، فلکی شروانی، رشید وطواط، عزالدین شروانی، سید اشرف غزنوی و جمال اشهری<sup>۴</sup> را نام برد.

در رابطه با مرگ مجیرالدین، دو روایت متفاوت نقل شده است. بنا به روایت بعضی از تذکره نویسان، وی به دست عوام و اوپاش اصفهان به قتل رسید<sup>۵</sup>. عده ای نیز علت مرگ وی را مرگ طبیعی دانسته اند<sup>۶</sup>. سال وفاتش را (۵۸۶)<sup>۷</sup>، (۵۸۷)<sup>۸</sup> و... نوشته اند.

---

۱ - صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۷۲۱ - رضازاده شفق، صادق: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۶۱

فروزانفر، بدیع الزمان: سخن و سخنوران، ص ۵۸۴ تا ۵۸۸

۲ - گفتم ز سپاهان مدد جان خیزد لعلی است مروّت که از آن کان خیزد

کی دانستم کاهل سپاهان کورند؟ با آنهمه سُرْمه کز سپاهان خیزد

«رباعی ۵۶»

۳ - واله داغستانی، علیقلی: تذکره ریاض الشعراء، ص ۱۹۹۵ - سمرقندی، دولتشاه: تذکره الشعراء، ص ۱۲۹

۴ - فروزانفر، بدیع الزمان: سخن و سخنوران، ص ۵۸۸ تا ۵۸۹ - بیلقانی، مجیرالدین: دیوان، ص ۱۷

۵ - واله داغستانی، علیقلی: تذکره ریاض الشعراء، جلد ۲، ص ۱۹۹۶

۶ - نظمی، علی: دویت سخنور، ص ۳۶۸

۷ - مردانی، نصرالله: ستیغ سخن، ص ۱۱۰ - رضازاده شفق، صادق: تاریخ ادبیات ایران، ص ۳۶۲

۸ - نظمی، علی: دویت سخنور، ص ۳۶۸



## سبک آذربایجانی و مختصات آن

سرزمین آذربایجان صرف نظر از این که در اعصار پیش از اسلام مرکز تمدن ایرانی بود در قرون پس از اسلام نیز جایگاه ویژه و اهمیت بسزایی داشته است و دانشمندان و فرهیختگان بیشماری در حوزه ادبیات و علوم اسلامی در این سرزمین به منصبه ظهور رسیدند. به ویژه در قرن ششم در خطه آذربایجان سخنوران و ادیبانی پرورش یافتند که امروزه جزء بزرگان و سرآمدان زبان و ادب فارسی شمرده می شوند.

سخنوران و شاعران این سامان سبک خاص خود را در سخن پردازی داشتند. سبک مذکور بعدها، سبک آذربایجانی (ارانی)<sup>۱</sup> نام گرفت. شاعران معروف مکتب آذربایجان عبارتند از؛ ابوالعلاء گنجوی، خاقانی، نظامی، فلکی شروانی و مجیرالدین بیلقانی.<sup>۲</sup>

عمده‌ترین مختصات سبکی مکتب آذربایجان را می‌توان در موارد زیر خلاصه نمود؛<sup>۳</sup>

### ۱- رواج مدح

مدح از جمله مضامین محوری شعر فارسی است که از ابتدای رواج شعر فارسی مورد توجه شاعران بوده. شاعران این مکتب نیز به مضمون مدح بیشترین توجه و عنایت را داشته‌اند و اغلب اشعار ایشان پیرامون همین مضمون است. حتی بعضی از شاعران در قالب غزل نیز اشعاری در مدح و ستایش ممدوح سروده‌اند.

۱ - شمیسا، سیروس: سبک شناسی شعر، ص ۱۴۲

۲ - شمیسا، سیروس: سبک شناسی شعر، ص ۱۴۳ تا ۱۷۰ - صفا، ذبیح الله: تاریخ ادبیات در ایران، ج ۲، ص ۳۳۳

## ۲- رواج هجو

هجو نیز جزء عناصر محوری و مضمون ساز این مکتب شعری شمرده می شود. اکثر شاعران سبک آذربایجان به این مضمون پرداخته اند و کمتر شاعری می توان در این مکتب یافت که به هجو شاعران دیگر نپرداخته باشد.

## ۳- تبدیل لحن حماسی در شعر به مفاخره<sup>۱</sup>

اکثر شاعران این دوره در ستایش از خود داد سخن داده و در مضمون مفاخره و خودستایی اشعاری سروده اند.

## ۴- وفور لغات و ترکیبات عربی در شعر

ظهور شاعران مکتب آذربایجان مقارن بود با نفوذ زبان و ادب عرب در میان ادیبان و سخنوران ایرانی. به همین دلیل در دوره مورد بحث ما بسامد لغات و ترکیبات تازی در اشعار پیش از اعصار و قرون پیشین است.

## ۵- افزایش بسامد لغات و ترکیبات ترکی در شعر این دوره

قرون پنجم و ششم هجری عصر ورود و نفوذ ترکان زرد پوست آسیای صغیر در داخل ایران بود<sup>۲</sup> و بالطبع با نفوذ ترکان در ایران مفردات و ترکیبات ترکی نیز در شعر و ادب فارسی رواج یافت. علاوه بر این، زبان مادری شاعران مکتب آذربایجان زبان ترکی بود و بدین جهت، شاعران به دلیل آشنابودن به زبان ترکی و تمایل در به کارگیری لغات و ترکیبات مربوط بدین زبان مفردات و ترکیبات زبان ترکی را وارد اشعار و آثار خود نموده اند.

۱ - شمیسا، سیروس : سبک شناسی شعر ، ص ۱۴۳

۲ - صفا، ذبیح الله : تاریخ ادبیات در ایران، جلد ۲، ص ۳۲۹

## ۶- اشاره به علوم مختلف عصر در شعر

در این دوره شعری، شاعران توجه وافر در به کارگیری اصطلاحات مربوط به علوم مختلف در شعر از خود نشان داده اند. مهمترین دلیل این کار وجود روحیه فخرفروشی در بین شعراست. همین امر سبب پیچیدگی و دشواری شعر و کلام بعضی از شاعران مکتب آذربایجان شده است.

## ۷- اشاره شاعران به فولکلور و فرهنگ عامیانه

انعکاس اعتقاد عامه پیرامون برخی پدیده ها و امور در حیطه نجوم، طب و... در کلام سخنوران آذربایجان نمود فراوان دارد. به گونه ای که انعکاس چنین عقایدی سبب دشواری سخن این شاعران گردیده و اغلب اشعار این دوره را محتاج شرح و تفسیر نموده است.

## ۸- آوردن مضامین جدید و معانی نو در شعر

بعضی از شاعران این مکتب به آوردن مضامین جدید، معانی نو و ترکیبات بدیع تمایل بیشتری از خود نشان داده اند. اغلب این شاعران دارای افکاری دقیق، پیچیده و باریک می باشند. این مضامین و عبارات نو و بدیع در اشعار شاعرانی همچون نظامی و خاقانی به وفور دیده می شود.

## ۹- پدید آمدن نوعی عرفان سطحی در بین شاعران

شاعران این سبک در متن اشعارشان در قالب پند و اندرز به برخی مسائل سطحی عرفانی از قبیل بی اعتباری دنیا، لزوم انقطاع از آن و... پرداخته اند البته این امر به معنی عارف بودن شعرا نیست مکتب نمی باشد.

## ۱۰- رواج روحیه بدبینی میان شعرا

از مسائل شایان توجه در شعر مکتب آذربایجان رواج روحیه بدبینی شدید میان شاعران می باشد که انعکاس آن را می توان در شعر شعرا و سخن پردازان این سبک مشاهده

نمود. دلیل این امر، نابسامانی اوضاع اجتماع و پرهج و مرج بودن وضع جامعه در این دوره شعری است.

۱۱- شکایت از بی وفایی روزگار، بیداد فلک، نبودن قرین و همدم واقعی، منسوخ شدن مروت، شکوه از کسادى بازار فضل و...  
عموماً چنین مضامینی را در اشعاری که وصف حال شعراست و با عنوان شکوایات نام گرفته، می توان یافت. محرک و محرّض اصلی شاعران در پرداختن به چنین مضامینی نیز اوضاع نابسامان اجتماعى است.

۱۲- ورود پاره ای از لغات و اصطلاحات زبان ارمنی و اشاره به آداب و رسوم مسیحیت به دلیل همجوار بودن ارّان با ارمنستان و نیز به جهت نسبت خویشاوندی که بعضی از شاعران با ارامنه داشتند، (به عنوان مثال، مادر خاقانی و مجیرالدین به آئین مسیحیت معتقد بودند) لغات و اصطلاحات زبان ارامنه و نیز آداب و رسوم مسیحیت در آثار شعرای آذربایجان نمود بیشتری نسبت به دوره های شعری دیگر دارد. برای نمونه می توان به قصیده ترسائیه خاقانی اشاره نمود.